

رابطه میان سفر آمریکا و صدور الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء

شاپور راسخ

میان این دو جریان فقط چهار یا پنج سال فاصله افتاد

در سال ۱۹۱۲ بود که حضرت عبدالبهاء بعد از سفری کوتاه به اروپا عازم آمریکای شمالی شدند و برای نخستین بار با احبای کانادا و ایالات متحده، جز قلیل نفوسی که قبل از آن در آخر قرن پیش یا بعد از آن به زیارت آن حضرت توفیق یافته بودند، ملاقات کردند و از ۱۱ اپریل سال مذکور تا ۱۲ نوامبر همان سال این دیدار ادامه یافت، اما چهار یا پنج سال بعد در ۱۹۱۶-۱۹۱۷ در حالی که جنگ اول جهانی در گرفته بود و حضرت عبدالبهاء در عزلت و انزوای نسبی می‌زیستند، الواح ملکوتی چهارده گانه را به عنوان یرلیغ تبلیغ سراسر عالم، خطاب به همین احبای تازه شناخته مرقوم فرمودند و آنها را به این مأموریت عظیم تاریخی برگماشتند. چه شد که با وجود آشنائی وسیع که با احبای شرق داشتند چنین مأموریت عظیم و مسئولیت بی‌سابقه‌ای را به آمریکائیان مرحمت کردند و صریحاً فرمودند: «حال نیز قطعه آمریکا در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار...». (لوح نهم در الواح عمومی) (۱)

و در همان حال که از محدودیت عده احباء و قلت منابع آنها اطلاع کامل داشتند در لوح هفتم خطاب به آمریکائیان فرمودند:

«این ندای الهی چون از خطه آمریکا به اروپا و آسیا و آفریقا و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازه بزرگواریشان جهانگیر گردد». (۲)

چنان که در گفتار این بنده زیر عنوان نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء در دفتر یازدهم سفینه عرفان آمده، این نکات در مورد این که چرا جامعه امریکای شمالی مخاطب قرار گرفت قابل ذکر است:

می‌توان احتمال داد که اولاً حضرت عبدالبهاء در سفر تاریخی خود به امریکا استعداد روحانی در امریکائیان دیده بودند چنان که در بدایع الآثار از آن حضرت نقل شده که فرموده‌اند: «امریکا استعداد دارد». (۳)

ثانیاً می‌توان حدس زد که ثبات اکثریت احبای امریکا بر عهد و میثاق بعد از نقض عهد ابراهیم خیرالله رضایت خاطر مرکز پیمان الهی را به خود جلب کرده بود. ثالثاً محتمل است که آزادی نسبی مذهبی در امریکا در حالی که امر هنوز در برخی از ممالک در مرحله مقهوریت و مظلومیت قرار داشت عامل مثبت دیگری در نظر آن حضرت بود. مضاف بر این که امریکائیان از نادر مللی بودند که با وجود "مدرنیزاسیون"، دست از نوعی دینداری نکشیده بودند.

نکته چهارمی که در آن سخنرانی مذکور شده آن که حضرت شوقی ربّانی امریکا را مهد متین نظم بدیع جهانی خوانده‌اند (۴) و جامعه بهائی امریکائی را "اعقاب روحانی مطالع الانوار عصر رسولی"، (۵) و چون اساس نظم اداری بهائی علی رغم قدمت ایران، در امریکا گذاشته شد (البته در عصر حضرت ولیّ امرالله با سوابقی چند در دوره حضرت عبدالبهاء) و وجود چنین نظمی برای اجرای نقشه بزرگی چون آنچه به عنوان هدف‌ها در الواح ملکوتی تشریح شده از ضروریات بوده. حضرت عبدالبهاء با نگاه ملهم خود به آینده، جامعه بهائی امریکا را برگزیده‌اند که عملاً بیست سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۷ اول نقشه هفت ساله خود را در چارچوب نقشه ملکوتی به موقع اجرا نهاد.

بر آنچه رفت نکته دیگری اضافه کنم و آن این که چند تن از احبای امریکا حتی قبل از صدور الواح ملکوتی و بعد از ابلاغ آن به امریکا (پس از جنگ اول جهانی در سال ۱۹۱۹) به مهاجرت یا سفر تبلیغی به سایر ممالک رفته و سرمشقی به وجود آورده بودند مانند می بولز مکسول May Bolles Maxwell که به دستور حضرت عبدالبهاء در اول قرن در پاریس اقامت کرد و گروهی از فرانسویان و امریکائیان و حتی فردی انگلیسی را به امر مبارک هدایت نمود و بعد از ازدواج، ساکن کانادا شد و در آنجا هم اساس امر الهی را نهاد و ذکر او در لوح سیزدهم الواح ملکوتی آمده که: «احبائی که در آن شهر [مونترال Montreal] بودند در نهایت روحانیت و غایت انجذاب به نجات‌الله و به همت امه‌الله مسیس مکسول جمعی از ابناء و بنات ملکوت در آن اقلیم مجتمع...»

(۶). و همچنین میس آگنس الکساندر Agnes Alexander که در لوح هفتم الواح ملکوتی درباره او مرقوم داشته‌اند که: «الان در جزائر هاوایی به همت میس الکساندر جمعی به شاطی بحر ایمان وارد. ملاحظه کنید که این چه سروری است و چه فرحی. قسم به رب الجنود که اگر این دختر محترمه سلطنتی تأسیس می‌کرد آن سلطنت به این عظمت نبود. این سلطنت، سلطنت ابدیه است و این عزت سرمدیه» (۷).

در لوح ششم به یکی از اماء الرحمن اشاره می‌فرمایند که: «به صفحات آلاسکا شتافته و در کتابخانه عمومی به کتابداری معین شده و به قدر قوه در خدمت قصور نمی‌نماید ولی ندا به ملکوت الهی هنوز در این اقلیم وسیع بلند نشده» (۸). که ظاهراً اشاره به خانم مارگارت گرین Margaret Green است که در تاریخ ۱۶ جون ۱۹۱۵ از پایتخت امریکا به آلاسکا رسید و محتملاً اول نفس بهائی است که مقیم آلاسکا شده و بالاخره میس آلما نوبلاک Alma Knobloch از احبای برگزیده امریکا که به عنوان مبلغ و مهاجر در فاصله ۱۹۰۷ و ۱۹۲۰ به آلمان رفت و شرح حالش در مجلد نهم عالم بهائی و اخیراً به تفصیل بیشتر در مجله پیام بهائی شماره ۴۴۱-۴۴۲ آمده است.

هر پنج نکته‌ای که گفته شد ممکن است استنباطی درست باشد اما نمی‌توان نکته مهم‌تری را در این میان فراموش کرد که آن علم لدنی و الهام قلبی حضرت عبدالبهاء باشد که بی‌شبهه در آئینه اندیشه منیرشان آینده را می‌دیدند و از این رو در عین جنگ خانمان برانداز، پایه‌های مدنیت نوینی را در این الواح استوار می‌کردند. اینجاست که می‌خواهم دقایقی به موضوع مهم موقوف و مقام حضرت عبدالبهاء بپردازم.

مقام حضرت عبدالبهاء

اهل بهاء عادت دارند که به دو جلوه از شخصیت استثنائی حضرت عبدالبهاء توجه کنند. اول آن که حضرتش مرکز میثاق جمال ابهی و مبین منصوص یعنی مفسر کلام حضرت بهاء الله بودند. چنان که حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس فرمودند که پس از صعود حضرتش به ملکوت الهی، اهل بهاء باید آن چه را از کتاب در نمی‌یابند از فرع منشعب از آن اصل قویم بپرسند (ترجمه به مضمون).

دوم به عنوان سرمشق والای اخلاق بهائی و به فرموده جمال مبارک من طاف حوله الاسماء و البتّه سرّالله که در لوح ارض باء یعنی بیروت آورده شده اما بی شبهه تعمق در تاریخ زندگی و آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء ما را به جلوه‌های دیگری از شخصیت آن حضرت رهنمون می‌شود.

حضرت بهاءالله در مناجاتی راجع به غصن اعظم خود از خدا می‌خواهند که زمین را به حضور آن حضرت سقایه (یعنی آبیاری) فرماید تا گیاه‌های حکمت و بیان و سنبلات علم و عرفان از آن بروید: «اسألک... بان تقدّر له و لمُحییّه ما قدرته لسفرائک و امناء و حیک». (۹) یعنی ای خدا از تو درخواست می‌کنم برای او و دوستانش آن چه را برای سفرا و امنای وحی خود مقدور فرمودی مقرر داری.

نفس مقدّسی که حضرت بهاءالله برای وی چنین مقامات والائی را تعیین فرموده‌اند قابل مقایسه با یک وصیّ و جانشین عادی نیست و نباید با انبیاء و ائمه قبل چه در آئین یهود و چه در اسلام مقایسه شود. نمی‌توان چنان که در رساله دور بهائی آمده کلام آن حضرت را وحی الهی دانست ولی همان رساله معلوم می‌دارد که گاه به الهام جمال ابهی کلام آن حضرت قابل مقایسه با وحی الهی می‌شود. چنان که حضرت ولیّ امرالله از چهار منشور عمده امر مبارک، دو منشور را یکی منشور تبلیغ و گسترش امر الهی در عالم یعنی الواح ملکوتی را به حضرت عبدالبهاء مدیون می‌دانند و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را هم منشور نظم اداری امر مبارک تلقی می‌کنند.

همه ما هنگام معرفی امر مبارک از تعالیم دوازده گانه سخن میرانیم که اقلّاً هشت اصل یا تعلیم عمده آن برگرد محور صلح عمومی و وحدت عالم انسانی می‌گردد که در آثار و خصوصاً خطابات حضرت عبدالبهاء مورد تأکید است و گرچه مبدأ و منشأ این تعالیم، بیانات جمال مبارک من جمله در الواح نازله بعد از کتاب اقدس بوده، اما به شیوه‌ای که حضرت عبدالبهاء آنها را مطرح کرده‌اند موجب شده که در اغلب مجامع در امریکا حضرت عبدالبهاء را پیامبر یا پیام‌آور صلح لقب دهند و خود حضرت عبدالبهاء نیز هنگام مصاحبه در سفر غرب (لندن - ۲۷ دسامبر ۱۹۱۲) فرموده‌اند:

«من آمده‌ام تا مدنیّت الهیه را ترویج نمایم. مدنیّتی که حضرت بهاءالله در شرق تأسیس فرمود، مدنیّتی که خدمت به عالم اخلاق نماید، مدنیّتی که سبب صلح عمومی است، مدنیّتی که مروج وحدت عالم انسانی است». (۱۰)

و آیا چه کسی غیر از حضرت عبدالبهاء به درستی دریافته بود که امر حضرت بهاءالله تنها یک دین نیست بلکه طرح یک مدنیت نوین جهانی برای سراسر عالم است یا به فرموده حضرت ولیعمرالله: «آئین بهائی را باید مظهر آخرین و عالی‌ترین مرحله تکامل عظیم حیات اجتماع بشری در کره زمین به شمار آورد» (۱۱). چه کسی غیر از حضرت عبدالبهاء می‌توانست در آغاز قرن بیستم که تعصبات قومی، سیاسی، مذهبی، نژادی در همه جا مستولی بود با درک عمق پیام جمال ابهی، حرکت دنیای تیره و تار را به سوی هفت شمع وحدت (وحدت سیاسی، وحدت آراء در امور عظیمه، وحدت آزادی، وحدت دینی، وحدت وطنی، وحدت جنس و بالاخره وحدت لسان) با چنان اطمینان پیش بینی کند؟

آیا پیش‌بینی جنگ اول جهانی و بعد جنگ دوم که در آثار حضرت عبدالبهاء آمده و دانشمندان آگاهی چون پرفسور آگوست فورل Professor Auguste Forel را متعجب و مبهور کرده بود، نشان روشنی از دانش و بینش ملکوتی- الهی آن حضرت نبود؟ آیا خطابات مبارکه آن حضرت در امریکا نبود که بی‌گمان روی شخصیت سیاسی عالی مرتبه‌ای چون وودرو ویلسون Woodrow Wilson رئیس جمهور امریکا در زمینه تشکیل مجمع اتفاق ملل مؤثر افتاده بود و عملاً موجب آن شد که مجمع مزبور به دنبال عهدنامه ورسای به وجود آید و بعد خود پس از جنگ دوم جهانی مبنای مؤسسه معتبرتر و نافذتری چون سازمان ملل متحد گردد؟ پس چگونه می‌توان مقام آن حضرت را به پایگاه یک نبی، یک امام، یک رهبر متعارف جامعه‌ای دینی تقلیل داد؟ این بیت مرحوم نعیم پاسخگوی سئوالاتی است که طرح کردیم:

ای که گفتی علامت حق چیست؟ می‌کند حق هر آن چه می‌گوید

هنگامی که حضرت عبدالبهاء در انزوای زمان جنگ اول و به دور از وسایل راحت یک دفتر مدیریت، الواح ملکوتی را مرقوم می‌فرمودند، شماره بهائیان نه فقط در امریکا بلکه در سراسر عالم قلیل بود در پایان عهد مرکز میثاق فقط ۳۵ کشور در ظلّ امر مبارک آمده بودند. گرچه در اواخر عهد ابهی عده‌ای از زردشتیان و یهودیان به امر مبارک اقبال کرده بودند اما شمار مسیحیان بسیار محدود بود. هنگامی که حضرت عبدالبهاء اولین لوح از الواح ملکوتی را مرقوم فرمودند فقط ۲۲ سال از ورود امر مبارک به امریکا گذشته بود و بر طبق سرشماری ایالات متحده، در سال ۱۹۱۶ عده بهائیان آن سرزمین فقط به ۲۸۸۴ نفر می‌رسید. آثار مبارکه جمال ابهی اکثراً به انگلیسی

ترجمه نشده بود، اول کتاب راهنمای آئین جدید یعنی کتاب دکتر اسلمونت Dr Esslemont منشر نشده بود معذک حضرت عبدالبهاء یقین داشتند که جامعه بهائی وسعت خواهد یافت و حدود یک صد و سی اهداف این نقشه ملکوتی را به موقع اجرا خواهد نهاد و مسلماً در آئینه اندیشه حضرتش نقشه‌های آینده چون جهادکبیر اکبر (۱۹۵۳-۱۹۶۳) مجسم بود که شماره ممالک و سرزمین‌های مستقل را که در سایه این آئین جلیل آمده از ۲۳۰ فزون‌تر خواهد کرد.

اجرای این نقشه‌های متتابع بر پایه الواح ملکوتی چهره امر مبارک را که در زمان جمال مبارک کاملاً شرقی بود دگرگون کرد و به حقیقت این آئین عنوان دیانت جهانی را زینده شد.

پیوستگی سفر امریکا، خطابات مبارکه و الواح ملکوتی

حضرت عبدالبهاء با اسفار تبلیغی خود در امریکا در حالی که سن مبارک از ۶۸ می‌گذشت و حضرتش از صحت کامل بر اثر سال‌های طولانی تبعید و حبس برخوردار نبودند فی الحقیقه سرمشقی برای احبای امریکا و دیگر قارات عالم بود.

خود حضرت عبدالبهاء بیش از یک بار به این موضوع توجه می‌فرمایند که نمونه‌ای از بیانات مبارکه در لوح هفتم ذیلاً می‌آید: «یقین بدانید که هر نفسی الیوم به نشر نفعات الله قیام نماید جنود ملکوت الله تأیید فرماید و الطاف و عنایات جمال مبارک احاطه کند. ای کاش از برای من میسر می‌شد که پای پیاده ولو به کمال فقر به آن صفحات مسافرت می‌نمودم و نعره زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا "یا بهاء الابهی" می‌گفتم و ترویج تعالیم الهی می‌نمودم. ولی حال برای من میسر نه، لهذا در حسرتی عظیم هستم بلکه ان شاء الله شماها موفق گردید». (۱۲)

و نیز: «ملاحظه نمودید که عبدالبهاء در نهایت ضعف و ناتوانی در حالتی که بیمار بود ابداً طاقت حرکت نداشت با وجود این به اکثر ممالک اروپ و امریک شتافت و در کنائس و محافل و مجامع به ترویج تعالیم امر الهی پرداخت و نداء به ظهور ملکوت ابهی نمود و ملاحظه نمودید که تأییدات جمال مبارک چگونه احاطه نمود. از راحت و آسایش جسمانی و تن‌پروری و آلودگی به این دنیای فانی چه نتیجه‌ای حاصل؟ واضح است که انسان عاقبت خائب و خاسر گردد، پس باید از این افکار به کلی چشم پوشید، آرزوی حیات ابدیه و علویت عالم انسانی و ترقیات ربّانی و فیوضات کلیه آسمانی و نفثات روح القدسی و اعلاء کلمة الله و هدایت من علی الارض و ترویج

صلح عمومی و اعلان وحدت عالم انسانی نمود. کار این است و الاً باید با سائر وحوش و طیور به این حیات جسمانی که نهایت آمال حیوانات است پرداخت و مانند بهائم در روی زمین محشور شد.» (لوح هفتم) (۱۳)

پس عجب نیست که حضرت عبدالبهاء افرادی را که به نشر نفعات الهی و به تبلیغ کلمه الله پردازند جنود آسمانی نامیده‌اند (لوح هشتم) و جنود آسمانی را چنین تعریف کرده‌اند: «مقصود نفوسی هستند که به کلی از عالم بشریت منسلخ و منقلب به نفوس ملکوتی و ملائکه آسمانی گشته‌اند، این نفوس اشعه شمس حقیقت‌اند که آفاق را روشن می‌نمایند و هر یک صوری در دست و نفعه حیات بر آفاق می‌دمند» (لوح هشتم) (۱۴). و همواره سرمشق حواریون مسیح را به یاد احبای امریکا می‌آورند: «این نفوس جنود الهی هستند و فاتح شرق و غرب». و به حقیقت چنان که در گفتار خود در سفینه عرفان ذکر کرده‌ام نفوسی چون می‌ماکسول، میس اگنس الکساندر، میس آلما نوبلاک، لئونورا آرمسترانگ Leonora Armstrong، کلارا دان Clara Dunn، ماریون جک Marion Jack، مارثا روت Martha Root، لوانگتسینگر Lua Getsinger و امثال ایشان پیش کسوتان این جنود الهی شدند که به کلی از مسیونرهای مسیحی به جهات مختلف متمایز هستند چه اکثرشان از میان بانوان برجسته‌اند و متکی به منابع مالی خود بودند.

مسلماً زیارت شخص حضرت عبدالبهاء در امریکا و ملاحظه سرمشق عالی آن حضرت و تشویقات و راهنمایی‌هایی که در الواح ملکوتی فرمودند عامل محرک این قهرمانان تاریخ بهائی بود. می‌توان گفت که صدور الواح ملکوتی و طرح نقشه‌های تبلیغ فی الحقیقه مرحله دوم در هدایت جامعه غرب بود که مرحله اول آن را سفر سه ساله حضرت عبدالبها به باختر زمین خصوصاً به امریکا تشکیل می‌داد. حتی در همان مرحله اول که حضرت عبدالبهاء به تحکیم پایه‌های ایمان و توسعه دایره اطلاع و آگاهی احبای به تعالیم امر مبارک پرداختند از مرحله دوم که قیام بر خدمت و فتح روحانی جهان غرب است غافل نبودند فی‌المثل در همان سفر نخست به پاریس به احبای آن شهر فرمودند:

«فی الحقیقه شهر پاریس در مدنیت نهایت ترقی نموده است و در جمیع شئون مادیه نجاح و فلاح یافته... حیف بود که این آئینه از پرتو آفتاب حقیقی [یعنی روحانیت] محروم ماند... همیشه از ابتداء تا حال چنین واقع شده که نور الهی از شرق به غرب تابیده لکن در غرب سطوع

شدید یافته... حال من هم امیدم چنان است که انوار بهاءالله در غرب در نهایت جلوه شاهد انجمن گردد و هریک از شما مثل شمعی روشن شوید... شما نظر به استعداد خود مکیند اعتماد به ملکوت الهی نمائید زیرا ملکوت الهی ذره را آفتاب می کند قطره را دریا می نماید... بر لیاقت خود نظر مکیند از قبل ملاحظه کنید حضرت پطرس شخصی بود ماهی گیر همین قسم سائر حواریین یکی نجار بود دیگری صباغ. اینها به فیض الهی به عنایت حضرت مسیح بر سریر سلطنت ابدی نشستند». (۱۵)

یعنی حضرت عبدالبهاء همان سرمشقی را که بعداً در الواح ملکوتی به احبای امریکامی دهند چندین سال قبل یعنی در اکتبر ۱۹۱۱ به احبای فرانسه مرحمت می فرمایند، به احبای امریکا در نیویورک در نطقی در ژوئن ۱۹۱۲ می فرمایند:

«به شما وصیت می کنم که در فکر تربیت روحانی باشید چنانچه در مادّیات به این درجه رسیده اید همین طور بکوشید تا در مدنیت روحانیّه ترقی نمائید... تا علویّت عالم انسانی ظاهر و نهایت سعادت حاصل شود». (۱۶)

باز در نیویورک در ۳ دسامبر ۱۹۱۲ نزدیک به خاتمه دوران اقامت در امریکا می فرمایند:

«امیدم چنان است که روز به روز منجذب تر گردید و نورانیت بیشتر یابید، ترقیات فوق العاده نمائید و در تبلیغ امرالله از یکدیگر استفاضه جوئید تا بدانید که چگونه باید تبلیغ کنید... قلوبتان چنان منجذب باشد که به مجرد سؤال جواب کافی شافی دهید و روح القدس در لسانتان تکلم نماید. مطمئن باشید و امیدوار به عنایات و تأییدات جمال مبارک...». (۱۷)

نگاهی سریع به این الواح ملکوتی

بی شبهه در صدور الواح ملکوتی نظم خاصی رعایت شده، چهار لوح نخستین مربوط به فتوحات در داخل ایالات متّحده امریکا است. لوح پنجم مربوط به فتوحات در داخل کشور کانادا. در لوح ششم احبّاء را به فتح روحانی امریکای مرکزی و جنوبی تشویق می فرمایند. لوح هفتم به فتح جزائر دوردست مربوط است و لوح هشتم به چین- ژاپون و حتی قارّات دیگر نظر دارد.

حضرت عبدالبهاء در این الواح تقریباً متساویاً به آیات قرآن و آیات انجیل استناد می‌فرمایند که خود این نکته ماهیت "فراذینی" یعنی جهانی این الواح را نشان می‌دهد. حضرتش هر چند که به سابقه مسیحی انتشار امر الهی یعنی نقش حواریون حضرت مسیح از همان لوح اول استناد فرموده‌اند. ولی در لوح دوم به عید نوروز یعنی نماد تمدنی دیگر توجه می‌دهند و در لوح چهارم می‌فرمایند:

«در انجیل شریف می‌فرماید که به اطراف جهان روید و ندا به ملکوت الله نمائید. حال وقت آن است که شما به این خدمت عظمی قیام نمائید و سبب هدایت جم غفیری گردید تا به این سبب انوار صلح و سلام جمیع آفاق را روشن و منور نمائید.» (۱۸)

و در لوح پنجم سفارش تبلیغ اسکیموها را می‌کنند و در لوح ششم سفارش انتشار امر در آلاسکا را... و به این ترتیب می‌بینیم که باز ماهیت بین‌المللی نقشه گرچه مجری آن امریکائیان هستند نمودار می‌شود.

فقط برای آن که اثر الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء را بهتر احساس کنیم، اجازه می‌خواهم که به چند رقم از سالنامه سال ۲۰۱۵ دائرةالمعارف بریتانیا ارجاع کنم. در جلد اول مربوط به ادیان می‌خوانیم که از کل جمعیت دنیا که ۷٫۲ میلیارد نفوس بوده، ۸۸٫۶ درصد پای‌بند دین و مذهب بوده‌اند. از کل جمعیت عالم ۳۳ درصد مسیحی هستند که در ۲۳۴ کشور ساکنند و بهائیان با جمعیت ۷٫۸ میلیونی خود در ۲۲۴ مملکت اقامت دارند و حال آن که اسلام در ۲۱۴ مملکت پیروان دارد یعنی امر بهائی از نظر گسترش رتبه دوم را بعد از مسیحیت دو هزار و چند ساله دارد و قبل از اسلام هزار و چهار صد ساله قرار گرفته است. باید متذکر بود که از دیدگاه حضرت عبدالبهاء تنها از زیاد عدد احباء مطرح نبود، حضرتش هدف والاتری از فرامین تبلیغی داشتند چنان که در آخرین لوح (چهاردهم) در ۸ مارس ۱۹۱۷ می‌فرمایند:

«هر چند در عالم امکان جهت جامعه بسیار که سبب الفت و اتحاد بین بشر است مثلاً وطنیت... ملیت... اتحاد منافع... وحدت سیاسیة... وحدت افکار... و لکن جمیع این تأسیسات فی الحقیقه اعراض است نه جوهر... اما جهت جامعه ملکوتی یعنی تأسیسات و تعلیمات الهی جهت جامعه ابدی است، شرق و غرب را به هم ارتباط دهد، وحدت عالم انسانی تأسیس نماید، بنیان اختلاف براندازد، بر جمیع جامعیت‌ها غلبه کند...» (۱۹)

به عبارت دیگر آنچه حضرت عبدالبهاء به دنبالش بودند ایجاد یک جامعه متحدالمرام جهانی بوده است که حضرت ولی امرالله درباره اهمیتش به تفصیل در نظم جهانی حضرت بهاءالله سخن گفته‌اند: «پیدایش یک جامعه جهانی و اعتقاد وجدانی به یک وطن بودن عالم و تأسیس مدنیت و فرهنگ جهانی...» (۲۰)، یعنی پیش‌بینی وصول عالم به مرحله بلوغش. پس هدف الواح ملکوتی خیلی بالاتر از روحانی کردن دنیاست که البته در اهمیت و اصالت آن تردید نمی‌توان کرد بلکه آن نقشه زمینه‌ساز برای یک مدنیت جهان شمول نوین بوده و هست و به فرموده حضرت عبدالبهاء در لوح چهاردهم:

«اگر به آن موفق شوید جهان، جهان دیگر گردد و روی زمین بهشت برین شود و تأسیسات ابدیه گذاشته شود...» (۲۱). یعنی جهت جامعه الهی تحقق پذیرد که باز به فرموده آن حضرت: «جهت جامعه ملیت، جهت جامعه وطنیت، جهت جامعه سیاست و جهت جامعه افکار و آراء مثل ملعبه صبیان گردد...» (۲۲). یعنی پیش‌بینی نیل به وراء وحدت ملی و وحدت وطنی و وحدت سیاسی و وحدت افکار و آراء در امور عظیمه، چنان که در لوح هفت شمع وحدت (سنه ۱۹۰۶) مذکور است.

راجع به نقشه ملکوتی

دوستان گرامی نظر به اهمیت پیام مورخ ۲۶ مارس ۲۰۱۶ که بیت العدل اعظم الهی به مناسبت صدمین سالروز صدور نخستین لوح از الواح ملکوتی مرقوم و ارسال فرمودند عین آن پیام را (ترجمه فارسی) ذیلاً نقل می‌کنم:

پیام بیت العدل مورخ ۲۶ مارس ۲۰۱۶

بهائیان عالم، مجریان فرامین ملکوتی حضرت عبدالبهاء ملاحظه فرمایند
دوستان عزیز و محبوب،

در سپیده دم امروز، اعضای بیت العدل اعظم به همراه اعضای دارالتبلیغ بین‌المللی به نیابت از شما عزیزان در اطاق مبارک حضرت عبدالبهاء در بهجی برای بزرگداشت لحظه سرنوشت‌ساز صدور اولین لوح از الواح نقشه ملکوتی از قلم معجزشیم مرکز میثاق مجتمع شدند. مناجات‌هایی

از آن الواح منبع به شکرانه توفیقات شکوهمند و پرافتخار گذشته تلاوت شد، تأییدات الهیه برای موقّیّت مجهودات لازم در مرحله بعدی بسط و اجرای آن نقشه طلب گردید و مواهب آسمانی برای فتوحات عظیم تر در انجام وظایف خطیر در مراحل پی در پی آینده تا وصول به آستانه عصر ذهبی مسئلت شد.

نقشه ملکوتی، آن مجموعه مکاتیبی که از قلم توانای حضرت عبدالبهاء بین ۲۶ مارس ۱۹۱۶ و ۸ مارس ۱۹۱۷ میلادی خطاب به احبای امریکای شمالی صادر گشته یکی از منشورهای مهیمن آیین نازنین اب بزرگوار آن حضرت است. حضرت شوقی افندی در این مورد توضیح می‌فرمایند که در آن چهارده لوح "عظیم‌ترین نقشه‌ای که تاکنون قوای خلاقه اسم اعظم الهی ترسیم" نموده مندرج می‌باشد. "میدان فعالیت این نقشه پنج قاره عالم و جزایر هفت دریا را در بر می‌گیرد"، توسط "قوای محرکه مافوق قدرت پیش‌بینی و ادراک ما" در حرکت است و "عامل بالقوه احیای روحانی و نجات و فلاح نهائی عالم انسانی" در آن نهفته می‌باشد. (ترجمه)

حضرت عبدالبهاء در الواح نقشه ملکوتی نه تنها دیدگاه وسیع لازم برای انجام وظایفی را که حضرت بهاء‌الله به عهده عاشقان جان‌فشان امر مبارکش واگذار فرموده‌اند اعطا نمودند بلکه مفاهیم روحانی و تدابیر عملی ضروری برای موقّیّت را نیز مشخص ساخته‌اند. در نصایح مشفقانه‌ای که مولای حنون راجع به مبادرت به تبلیغ و اسفار تبلیغی، قیام شخصی در راه تبلیغ یا توکیل دیگران، عزیمت به اقطار عالم و استقرار امرالله در ممالک مختلف ارائه فرموده‌اند - ممالکی که نام هر یک را به دقت ذکر نموده‌اند - و نیز در ارشادات هیکل مبارک مبنی بر آموختن زبان‌های مربوطه و ترجمه و نشر آثار مبارکه؛ تعلیم مبلغین علی‌الخصوص جوانان؛ تبلیغ امر الهی در بین عموم به ویژه در بین بومیان؛ ثبوت بر عهد و میثاق و صیانت امر حضرت رحمان؛ و افشاندن بذر در زمین‌های مستعدّ و پرورش آن در فرایند رشد ارگانیک - در همه این ارشادات و هدايات، خصوصیات سلسله نقشه‌ها را مشاهده می‌کنیم، نقشه‌هایی که هر یک مرحله خاصی از نقشه ملکوتی بوده که توسط مرجع امر الهی ترسیم و هم چنان در طی عصر تکوین بسط و توسعه آن ادامه خواهد یافت.

پاسخ اولیه احباء به الواح نقشه ملکوتی محدود به اقدامات بازر چند نفر - چون مارثا روت آن روح جاودانی - بود که هر یک مستقلاً قیام کردند. حضرت شوقی افندی بهائیان عالم را مدد

فرمودند تا اهمیت این منشور را به تدریج درک نموده و به نحوی سیستماتیک به اجرای الزامات آن پردازند. اجرای نقشه ملکوتی قریب بیست سال یعنی دورانی که نظم اداری در حال شکل‌گیری بود، معوق ماند. جوامع بهائی سپس با صبر و شکیبائی به اجرای نقشه‌های ملی از جمله دو نقشه هفت ساله در امریکای شمالی که اولین مراحل نقشه ملکوتی را تشکیل می‌داد هدایت شدند تا آن که سرانجام در سال ۱۹۵۳ همه بهائیان عالم توانستند متحداً در اولین نقشه جهانی، یعنی نقشه ده ساله جهاد کبیر اکبر مشارکت نمایند. حضرت شوقی افندی به سالیان بعد از آن دهه سرنوشت‌ساز ناظر بودند یعنی به زمانی که "آغاز مشروعاتی جهانی است که مقدر است در عهد آینده" عصر تکوین "توسط بیت العدل اعظم به مرحله اجرا در آید، مشروعاتی که مساعی محافل ملی را متحد و هماهنگ نموده و نشانه‌ای از وحدت آن محافل خواهد بود". (ترجمه)

مجهودات کنونی برای اجرای نقشه ملکوتی متمرکز بر ایجاد الگوئی از حیات جامعه است که که بتواند هزاران نفر را در محدوده‌های جغرافیائی سراسر عالم در برگیرد. هر یک از احبای عزیز الهی باید بیش از پیش به این نکته واقف باشند که تمهیدات مرحله بعدی نقشه ملکوتی که در پیام اخیر این جمع کنفرانس مشاورین مطرح گردیده شامل الزامات خطیر زمان حاضر است. این الزامات که هم فوری و هم مقدس است و وقتی با فداکاری و پشتکار دنبال شود "ظهور عصر ذهبی را که شاهد اعلان صلح اعظم و بسط مدنیت الهی جهانی است، مدنیتی که ثمر و مقصد اصلی صلح اعظم است" سرعت بخشد. (ترجمه)

یادداشت‌ها

- ۱- نظم جهانی بهائی، مؤسسه معارف بهائی، کانادا ۱۹۹۵، ص ۷۲.
- ۲- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فرج الله زکی الکردی، ۱۹۲۱، ج ۳، ص ۲۱.
- ۳- بدایع الآثار، لانگنهاین آلمان ۱۹۸۷، ج ۳، ج ۱، ص ۴۰۱.
- ۴- ظهور عدل الهی، دارالانشاء محفل روحانی ملی ایالات متحده، ویلمت، ایلینوی ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۱۳.

- ۵- ظهور عدل الهی، ص ۱۵.
- ۶- فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، دارالانشاء محفل روحانی ملی ایالات متحده، ویلمت، ایلینوی ۱۹۸۵، ص ۸۴.
- ۷- فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۵۱.
- ۸- فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۴۴.
- ۹- محمد علی فیضی، حیات حضرت عبدالبهاء، لانگنهاین آلمان، ص ۴۷.
- ۱۰- بدایع الآثار، لانگنهاین آلمان ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۱، ص ۴۴.
- ۱۱- توفیق شکفته شدن مدنیت جهانی، ص ۱۰۴.
- ۱۲- فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۵۱.
- ۱۳- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فرج الله زکی الکردی، ۱۹۲۱، ج ۳، ص ۲۴-۲۵.
- ۱۴- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۳، ص ۲۷.
- ۱۵- خطابات حضرت عبدالبهاء، لانگنهاین آلمان ۱۹۲۱، ج ۱، ص ۴۶-۴۹.
- ۱۶- خطابات حضرت عبدالبهاء، لانگنهاین آلمان ۱۹۲۷، ج ۲، ص ۱۵۳.
- ۱۷- خطابات حضرت عبدالبهاء، ج ۲، ص ۳۳۱.
- ۱۸- فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۴۰.
- ۱۹- فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۸۷-۸۸.
- ۲۰- نظم جهانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، مؤسسه معارف بهائی کانادا ۲۰۰۶، ص ۱۲۵.
- ۲۱- فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۹۱.
- ۲۲- فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، ص ۹۱.